

پیرامون مشروطه:

سه مقاله درباره‌ی ولایات و مرکزگرایی

آرش خازنی / ترجمه‌ی مارال لطیفی

مراد روحی

ابراهیم توفیق، سید مهدی یوسفی

ویراستار محوایی: سید مهدی یوسفی

تاریخ انتقادی ۳

تهران، ۱۴۰۰



کامپو

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی،
خیابان نیرو، شماره ۷/۱، تلفن: ۷۷۶۲۶۳۷۹

پیرامون مشروطه:

سه مقاله درباره‌ی ولایات و مرکزگرایی

آرش خازنی / ترجمه‌ی مارال لطیفی؛ مراد روحی؛ ابراهیم توفیق، سیدمهدی یوسفی

- تاریخ انتقادی ۳ ● دبیر مجموعه: ابراهیم توفیق
- چاپ اول ۱۴۰۰ تهران ● شمارگان ۵۰۰ ● قیمت ۷۸۰۰۰ تومان
- صفحه‌آرا: هاجر صفری ● چاپ و صحافی: پردیس دانش
- یونیفورم جلد: مریم اسدی خونساری

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۱۷۹۷-۲ ISBN 978-964-691797-2

همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است ● Printed In Iran

عنوان و نام پدیدآور: پیرامون مشروطه: سه مقاله درباره‌ی ولایات و مرکزگرایی / نویسندگان آرش خازنی ... (و دیگران):

ترجمه‌ی [مقاله اول] مارال لطیفی؛ ویراستار سیدمهدی یوسفی

مشخصات نشر: تهران: کام نو، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: ۲۱۵ ص.

فروست: تاریخ انتقادی ۳ / دبیر مجموعه ابراهیم توفیق

شابک: 978-964-691797-2

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: مقاله‌ی اول این کتاب ترجمه‌ای است از:

Khazeni, Arash (2005) "The Bakhtiari Tribe in the Iranian Constitutional Revolution", Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East, Volume 25, Number 2, pp. 377-398.

یادداشت: نویسندگان آرش خازنی، مراد روحی، ابراهیم توفیق، سیدمهدی یوسفی

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق.

موضوع: Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق. -- جنبه‌های جامعه‌شناختی

موضوع: Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906 - 1909 -- Sociological aspects

شناسه افزوده: خازنی، آرش

شناسه افزوده: Khazeni, Arash

شناسه افزوده: لطیفی، مارال، ۱۳۶۴-، مترجم

شناسه افزوده: یوسفی، سیدمهدی، ویراستار

شناسه افزوده: توفیق، ابراهیم، ۱۳۳۸-

رده بندی کنگره: DSR1407

رده بندی دیویی: ۷۵/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۹۷۸۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

فهرست مطالب

۷	 درباره‌ی مجموعه‌ی «تاریخ انتقادی»
۱۰	 درباره‌ی این کتاب

فصل اول

۱۳	 عشایر بختیاری در انقلاب مشروطه‌ی ایران
	آرش خازنی / ترجمه‌ی مارال لطیفی
۱۹	 ایل بختیاری در اواخر دوره‌ی قاجار، سال‌های ۱۸۸۲-۱۹۰۹
۲۴	 سواران بختیاری و فتح اصفهان
۳۱	 عشایر بختیاری در تهران، حدود سال ۱۹۰۹
۳۵	 ملت و عشایر
۴۳	 دوام هویت ایلی بختیاری‌ها
۴۹	 جمع‌بندی: بازگشت به کوهستان
۵۲	 پی‌نوشت‌ها

فصل دوم

۶۳	 کردستان پیشامدرن: تبارشناسی تجربه‌ی انقلاب مشروطه در کردستان ایران
	مراد روحی
۶۴	 بیان مسئله
۶۹	 منابع پژوهش
۷۲	 حکام محلی و تداوم کردستان اردلان در دوره‌ی پیشامدرن

۸۷	ساختار اجتماعی-سیاسی حکومت اردلان (ماتریس قدرت داخلی و تعاملات پیرامونی)
۹۲	والی و دیوانیان (قدرت سیاسی)
۹۶	شیخ و روحانی (قدرت کاریزماتیک و مذهبی)
۹۹	ایلات و سران عشایر
۱۰۱	مالکیت زمین و قدرت اقتصادی
۱۰۳	حکام هورامان و بانه
۱۰۸	گسست تاریخ قدیم و جدید؛ فروپاشی نظم ملوک الطوائفی در ایران
۱۱۲	تجربه‌ی گسست از نظام قدمایی در کردستان
۱۱۹	وقایعی که بازنمایی ویژه‌ای از «کرد» را در ایران متحقق کردند
۱۱۹	الف) مواجهه با غرب
۱۲۱	ب) مشروطه و کردستان
۱۲۷	نتیجه‌گیری
۱۲۷	الف) تاریخ نگاری‌های رسمی و نظریه‌های موجود درباره‌ی تاریخ ایران
۱۳۱	ب) آرشیو و پژوهش‌های تاریخی
۱۳۳	ضمائم
۱۳۳	ضمیمه‌ی اول: حکام اردلان
۱۳۳	ضمیمه‌ی دوم: سلاطین هورامان
۱۳۴	ضمیمه‌ی سوم: حکومت سلاطین اختیارالدینی بانه
۱۳۵	ضمیمه‌ی چهارم: بلوکات حکومت اردلان با مرکزیت سنندج در اواخر قرن نوزدهم
۱۴۰	فهرست منابع

فصل سوم

۱۴۵	سیاست فضا و سرایت «کورپرامونی»: پاره‌هایی درباره‌ی تهران محوری
	ابراهیم توفیق، سید مهدی یوسفی
۱۹۶	فهرست منابع
۲۰۱	نمایه

درباره‌ی مجموعه‌ی «تاریخ انتقادی»

مجموعه‌ی حاضر تلاشی است برای معرفی و انتشار آثاری در حوزه‌ی تاریخ انتقادی. این آثار در موضوع، روش و نویسنده اشتراک ندارند، اما پرسش‌های آن‌ها پرسش‌هایی است هم‌خانواده و از چشم‌اندازی کمابیش مشترک؛ زیرا تمامی آن‌ها نسبتی با تاریخ انتقادی در ایران دارند. «تاریخ انتقادی» روایتی مؤثر از لحظه‌ی حال است که وضعیت کنونی «ما» را به شیوه‌ای تاریخی بکاود و با ترسیم مرزها و حدود تاریخی امر جمعی‌ای که خود را در آن بازمی‌شناسیم، امکان نقدش را فراهم کند. این نگاه با آن‌چه ممکن است «تاریخ مدرن» نامیده شود تفاوت دارد. برجسته‌سازی همین تفاوت، مفهوم تاریخ انتقادی را چنان‌که در این مجموعه فهمیده شده، وضوح می‌بخشد:

تاریخ مدرن فرایندهای عام و جهان‌شمولی را پیش‌فرض می‌گیرد که از صورت‌بندی‌های نظری و فلسفی مفهوم «پیشرفت» برآمده‌اند؛ و به این ترتیب، جهات حرکت از پیش تعیین شده، یا «غایاتی» را برای تاریخ متصور می‌شود تا پژوهش و روایت خود را در حدود آن‌ها سامان بخشد. تاریخ انتقادی اما وضعیت کنونی را محصول جهات جبری تاریخ نمی‌پندارد و نقد همین غایت‌گرایی را بخشی از کار خود می‌داند.

تاریخ مدرن پیش‌فرض‌های دستگاه‌های جهان‌شمول را به دایره‌ی نقد وارد نمی‌کند و برای فهم جایگاه تاریخی هر فضا-زمان مشخص، آن را با فضا-زمانی

که در انتهای پیوستار «پیشرفت» تصور شده، مقایسه می‌کند؛ گویی انطباق با این نقطه‌ی اوج رازآلود و حل‌شدن در آن را، سرنوشت تمام فضا-زمان‌های تاریخی می‌داند. این نقطه‌ی اوج، در سِرخ‌های گوناگون تاریخ مدرن، گاه در آینده‌ای موهوم و گاه (ضمن واکنشی ایدئولوژیک) در گذشته یا «سنت» جایابی می‌شود (که معمولاً هردوی این‌ها هم‌زمان رخ می‌دهد). در نتیجه، شناخت و تغییر وضعیت کنونی به نوعی فرجام‌شناسی تطبیقی حواله می‌شود. افزون بر این، گاه پنداشته می‌شود که صرفِ پرداختن به موجودیت‌های تاریخی‌ای که ادعا شده از وضعیت کنونی غایب‌اند، نظیر عقلانیت، دولت، سرمایه‌داری، مدرنیته (یا حتی سنتی‌زدست‌رفته و نیازمند احیا)، به معنای توضیح وضعیت واقعاً موجود است (البته اگر مطابقِ روی دیگر این سکه چنین تصور نشود که انسداد وضعیت، خود حاصل حضور پررنگ سنتی تغییرناپذیر است). به این ترتیب علت‌یابی سلیبی در تاریخ، یا «غیاب‌نگاری»، هم به «تطبیق‌گرایی» اصفانه می‌شود.

در مقابل، از چشم‌انداز تاریخ انتقادی، وضعیت کنونی وضعیتِ یگانه‌ای تلقی می‌شود که «تاریخ» آن (یا شدن‌اش در افق زمان تاریخی) در «فردیت» آن قابل مطالعه است. تأکید بر فردیت، به معنای فهم هر وضعیت در فرایند تفرید یا تمایز یافتن‌اش از سایر موقعیت‌های هم‌زمان با خود است؛ که الزاماً پای دریافت‌های تازه‌ای از معنای «کلیت جهان‌شمول» را پیش می‌کشد: از یک سو وضعیت‌های منفرد، خارج از بافت امر کلی امکان فردیت‌یابی ندارند و از سوی دیگر، خود این کلیت نیز، هر چند که از مجموعه‌ی اجزای‌اش چیزی بیش‌تر دارد، جز از خلال مناسبات هم‌زمانی عناصر و نیروهای برساننده‌اش هستی نمی‌یابد. چنین کلیتی، نام جایی در آینده نیست و به سوی هیچ غایت مشخصی پیش نمی‌رود. درون آن، هر موقعیت ملی مدرن، وضعیت منفردی است که صرفاً در «جهان دولت-ملت‌ها»، و درون مناسباتی که خود این جهان را از جهان‌های تاریخی دیگر متمایز کرده‌اند، ممکن شده است. ازین چشم‌انداز (درست برخلاف چشم‌اندازی که انگاره‌ی پیشرفت را مبنا می‌گیرد)، موقعیت‌های ملی در سلسله‌مراتبی زمانی قرار ندارند، بلکه در فضا با یکدیگر متمایز شده‌اند؛ و حتی

چنان‌که واجد زمان‌مندی‌های درونی متفاوتی نیز باشند، در بافت جهان دولت-ملت‌ها با یکدیگر هم‌زمان هستند.

پس تاریخ انتقادی لزوماً در پی روکردن آسناد تاریخی تازه، یا تصحیح اشتباهات وقایع‌نگارانه‌ی روایت‌های تاریخی مدرن نیست و حتی، فی‌نفسه، یادآوری و ثبت آن‌چه از این روایت‌ها حذف شده است را مد نظر ندارد. منظور از مطالعه‌ی وضعیت تاریخی در فردیت آن، نه «جبران» مافات است، نه شناخت «موانع رشد» و نه تبیین حقیقت غایی «واقعیت تاریخی»؛ هدف این نگرش، ارائه‌ی تحلیلی معین از وضعیت معین معاصر است، به‌نحوی که امکان تغییر ریشه‌های آن را تصورپذیر سازد. هدفی که جز از مسیر درهم‌شکستن موانعی که تاریخ مدرن برای تفریر مؤثر «وضعیت کنونی» پیش پای ما قرار داده است، عملی نمی‌شود. از این منظر، می‌توان گفت که تاریخ انتقادی در جریان خصومت‌اش با تاریخ مدرن، نسبتی مستقیم با «امید» دارد.

نامیدن تعلیق، مجلد نخست و سرآغاز بحث در این مجموعه است که به‌تفصیل، معنای تاریخ انتقادی و وضعیت آن در ایران را می‌کاود. این متن با طرح مسائلی کلی پایان یافته که تصور شده است تاریخ انتقادی در ایران باید به آن‌ها بپردازد. به دنبال آن و در ادامه‌ی این مجموعه، متونی با خصلت نظری یا متونی استوار بر پژوهش‌های تجربی انتخاب و منتشر می‌شوند که هر یک به‌نوعی، در نسبت با پرسش‌های همان برنامه‌ی کلی قابل فهم هستند؛ هرچند که این‌ها نیز خود متونی مستقل اند که گاه بدون آگاهی از متن آغازین نوشته شده‌اند و گاه حتی، از برخی جنبه‌ها، با آن در تعارض هستند.

یک بخش این مجموعه، گزینش و ترجمه‌ی آثار غیرفارسی را در بر دارد که به‌نحوی برای توضیح بهتر موضع تاریخ انتقادی در ایران، کارآمد به نظر رسیده‌اند. بخش دیگر آن، که مقرر است بخش غالب مجموعه باشد، به متون تألیفی اختصاص دارد. تمام مطالعات تجربی که در این بخش منتشر می‌شوند، به‌نوعی با ارائه‌ی تحلیل معین از وضعیت معین معاصر ما در ایران درگیر اند. این تحقیقات، چه ریشه‌های وضعیت کنونی ما را در «قرن بلند نوزدهم» بکاوند، و چه

«گذشته‌های نزدیک» مندرج در سال‌های اخیر مان را بررسی کنند، می‌کوشند بدون پیش‌فرض گرفتن پیوستار زمانی تاریخ‌نگاری مدرن، شکل‌گیری‌های تاریخی‌ای را تشریح کنند که لحظه‌ی حال حاضر ما را، به‌منزله‌ی امری جمعی، معین کرده‌اند. هیت ویرایشی این مجموعه، زیر نظر ابراهیم توفیق، مسئولیت انتخاب، تدوین، تألیف و ترجمه‌ی این آثار را بر عهده دارد. کار تدوین و نظارت محتوایی بر هر یک از مجلدات مجموعه، در نهایت، بر دوش یکی از اعضای این هیئت قرار گرفته که نام‌اش، تحت عنوان «ویراستار محتوایی»، در آغاز آن مجلد تصریح شده است. ناگفته پیداست که رمز تشکیل و بخت تداوم این مجموعه، در گشودگی‌اش به روی پیشنهادها و متون تازه نهفته است.

درباره‌ی این کتاب

مجلد حاضر یکی از تلاش‌های این مجموعه برای تدوین متونی است که امکان بازخوانی فرایند مدرن‌شدن ایران را از منظری غیرتهران‌محور هدف خود قرار داده‌اند. مقالات موجود در این کتاب، به‌طور خاص به فرایند ساخت‌یابی ایالات در عصر قاجار و انقلاب مشروطه در این بستر می‌پردازند. مشروطه‌پژوهی از دیرباز با این مسئله درگیر بوده است که چگونه می‌توان روایتی غیرتهران‌محور از این رویداد به دست داد. از یاسنت لویی رابینو و احمد کسروی تا رسول جعفریان و عبدالمهدی رجایی، همگی در این راستا تلاش کرده‌اند تا رویدادهای مشروطه را در شهرهای مختلف دنبال کنند. اما مسئله‌ی مجموعه‌ی حاضر از این منظر با این تلاش‌ها تفاوت دارد که نمی‌کوشد وقایع مشروطه را در دایره‌ی جغرافیایی متفاوتی به موضوع کار بدل کند، بلکه تلاش می‌کند دریابد مشروطه چگونه ساخت‌یابی وضعیت‌های پیرامونی را جهت داده است.

انگیزه و پرسش‌های هادی نگارش و گردآوری جستارهای پیش‌رو «ساده» است: اگر تاریخ معاصر ایران — تاریخ همه‌ی آن وقایعی که دوران جدید ما در آن‌ها تعیین یافته است، همچون سیاست تنظیمات و انقلاب مشروطه، شکل‌گیری رژیم

پهلوی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد و ... — از منظر «پیرامون» ها روایت و بازنویسی می‌شد، چه بر سر روایت (های) چیره می‌آمد؟ تاریخ معاصر ایران چه شکل و شمایل پیدا می‌کرد؟ آیا تاریخ معاصر ایران همچنان تاریخ «مردان بزرگ» فکر و عمل باقی می‌ماند، تاریخ وقایع بزرگ، تاریخ انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، که لحظات قبل از آن‌ها گویی هیچ نبوده‌اند جز پیش‌تاریخی که این وقایع را گریزناپذیر کرده‌اند؟ آیا آن دوره‌بندی بلند می‌توانست پابرجا بماند که همه‌ی ایران (های) تاریخی را به پیش‌تاریخ جغرافیای سیاسی ایران معاصر تبدیل می‌کند؟ تاریخی که خود نتیجه‌ی آگاهی‌نخبگان به سکونِ دیرین در مواجهه با غربِ مدرن است و سرآغاز قرار گرفتن در آستانه‌ی ورود به «تاریخ» و «گذار از سنت به تجدد» — گذاری که بی‌انتهای بودن‌اش منبع اقتدارِ سوژه‌ی کنشگر و روایتگر این تاریخ است.

اولین مقاله‌ی این مجموعه ترجمه‌ی مقاله‌ای است از آرش خازنی که پیش از این به زبان انگلیسی منتشر شده. از ایشان متشکریم که اجازه داد این مقاله، ترجمه و در این کتاب منتشر شود. برای سهولت رجوع به متن اصلی و رعایت امانت، نحوه‌ی ارجاع‌دهی متن اصلی را تغییر نداده‌ایم. اما ارجاعات مؤلف را از پانویس به پی‌نویس برده‌ایم و پانویس را تنها برای معادل‌گذاری‌های مترجم گذاشته‌ایم. شماره و ترتیب ارجاعات متن اصلی تغییر نکرده و در انتهای متن مقاله درج شده است و هر اطلاع و عبارتی که افزوده‌ی ویراستار فارسی به یادداشت‌ها یا متن اصلی بوده در کروشه آمده.

مقاله‌ی دوم صورتی است متفاوت از پژوهشی که قبلاً گزارشی از آن با عنوان «پرابلماتیزه کردن گسست تاریخی کردستان ایران: تأملی بر شکاف پیشامدرن/مدرن» در زمستان ۱۳۹۲، در شماره‌ی چهارم از چهاردهمین سالِ مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران منتشر شده است.

سومین مقاله بحثی نظری است که ابتدا قرار بود به عنوان مقدمه‌ی این کتاب منتشر شود. اما بعد از آن که حجم متن به بیش از حد معمولِ مقدمه رسید و مهم‌تر از آن به این دلیل که تصور کردیم خواندنِ این متن پیش از دو پژوهش دیگر

می‌تواند خوانشی را بر آن‌ها بار کند که درونی آن پژوهش‌ها نیست، این مقاله را به انتهای کتاب منتقل کردیم، تا بعد از خواندن مقالات به عنوان یک صورت‌بندی نظری از مسئله‌ی مرکزگرایی عرضه شود. امیدواریم این پایان مسیر نباشد و بتوانیم مجلدات دیگری را با همین موضوع «ولایات و مرکزگرایی» در این مجموعه منتشر کنیم.

هینت ویرایشی مجموعه‌ی تاریخ انتقادی